

# چراغی رو به روشنایی

قسمت سوم

مروری بر نمایش نامه‌های دهه ۶۰ از سال ۶۳-۶۰

نسرین اسدی

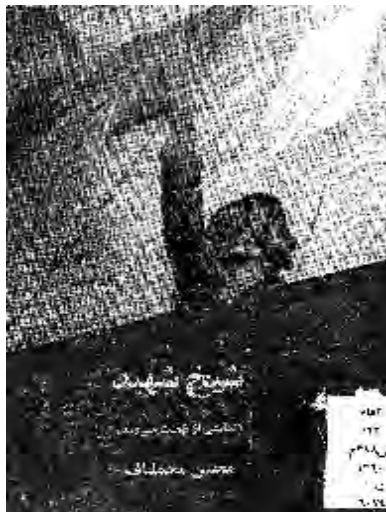
در همه جوامع، هنر و ادبیات در ارتباط مستقیم با حوادث و فراز و فرودهای زمان خود قرار می‌گیرد و انعکاس اتفاقات مهم هر دوره، در هنر و ادبیاتش، به خوبی مشاهده می‌شود؛ به طوری که پژوهشگران برای بررسی نحوه زندگی، آداب و رسوم و حتی حوادثی مثل جنگ و آسیب‌های اجتماعی آن، به سراغ آثار هنرمندان آن دوره می‌روند.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به دنبال آن آغاز جنگ تحمیلی، تحولات اجتماعی عظیمی در ایران به دنبال داشت که آثار آن، بر همه جوانب زندگی و خصوصاً بر هنر و ادبیات، کاملاً مشهود است. ادبیات نمایشی کودک و نوجوان نیز از این اصل مستثنی نیست.

آثاری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به طور مشخص در دهه ۶۰ به چاپ رسیده، به لحاظ انتخاب موضوع کاملاً تحت تأثیر حوادث زمان خود است. در میان نمایش نامه‌های چاپ شده، آثار متأثر از انقلاب و ارزش‌های مذهبی برخاسته از اعتقادات دینی مردم و جنگ تحمیلی، سهم بیشتری دارند. دلایل بروز این مسئله در سه حوزه دولت، ناشر و نویسنده، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## نقش دولت

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران مورد تهاجم نظامی عراق قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، طبعاً دولت ایران سعی می‌کند بخشی از اهداف خود را به واسطه زبان تأثیرگذاری چون ادبیات نمایشی و داستانی، در ذهن و اندیشه افراد جامعه نفوذ دهد. حفظ ارزش‌های انقلاب و توجه به جنگ تحمیلی، با هدف ترویج دین، حفظ ارزش‌های مذهبی و توجیه انگیزه‌های بنیادین انقلاب و همچنین حفظ فرهنگ مقاومت و پایداری، با بهره‌گیری از ادبیات و هنر، یکی از اهداف کلی سیاستگذاری دولتی، در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی است. بنابراین، به دلیل توجه ویژه دولت، بیشترین نمایش نامه‌های چاپ شده کودک و نوجوان در این دوره، به طرح چنین مسائلی می‌پردازد.



## نقش ناشر

از ویژگی‌های جوامع دولتمدار، نظارت کامل دولت بر فعالیت‌های فرهنگی است. لذا به دلیل رشد ناشران دولتی در سال‌های پس از انقلاب، امکان تحقق سیاستگذاری‌های دولت در بخش فرهنگ افزایش می‌یابد. ناشران دولتی، مجری سیاستگذاری فرهنگی دولت در بخش تولید هستند و ناشران خصوصی نیز به دلیل بهره‌مندی از یارانه دولتی و یا به دلیل اعتقادات شخصی، سهم بیشتری را به چاپ آثاری با مضامین انقلاب، جنگ و ارزش‌های اسلامی می‌دهند.

در میان آثار انتشار یافته در حوزه ادبیات کودک و نوجوان هم، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان دهه ۶۰، شاهد رشد چنین ادبیاتی هستیم. در چنین شرایطی، سیاست‌های مربوط به اولویت تولیدات فرهنگی، جایگزین سیاست‌های معمولی و طبیعی عرضه و تقاضا می‌شود؛ چون در شرایط بحرانی و ناهنجاری‌های به وجود آمده ناشی از جنگ تحمیلی، ارزش‌های هنری تحت تأثیر اهداف سیاسی و مذهبی قرار می‌گیرد. به این معنا که مفاهیم و درونمایه‌های فکری مورد نیاز شرایط جامعه، بیش از ارزش‌های هنری، مورد توجه قرار می‌گیرد.

## نقش نویسنده

بخشی از ادبیات، منشأ اجتماعی و بخشی منشأ فردی دارد و در این جاست که نویسنده و انتخاب موضوع مطرح می‌شود. هر انقلاب و تفکری، نویسندگان خاص خود را به دنبال دارد. با تشکیل حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۵۸، برای تربیت نویسندگان، هماهنگ با انقلاب و آرمان‌های انقلابی، تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. در این سال‌ها، ادبیات پایداری با قلم نویسندگان وابسته به حوزه هنری به نگارش درمی‌آید، اما به دلیل شرایط سیاسی - اجتماعی زمان، بیشتر به مضمون و محتوای آثار توجه می‌شود و خصوصاً در حوزه کودک و نوجوان، به عناصر ساختاری نمایش‌نامه‌های خاص این گروه سنی توجه کم‌تری می‌شود و ارزش‌های دراماتیک نمایش‌نامه‌ها در سایه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در مقدمه کتابنامه «فهرست کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان» بنیاد بعثت که در سال ۱۳۶۳ منتشر شد، آمده است:

«در بررسی و انتخاب کتاب‌ها، ملاک اساسی معیارهای ارزشی، اعتقادی و اخلاقی اسلام بوده است. آن دسته از آثاری که حتی از نظر فنی و هنری در درجه ضعیفی بوده‌اند، فقط با تشخیص این که نکات ضد اسلامی در آن‌ها نیست، برگزیده شده‌اند.»<sup>۱</sup>

بنیاد بعثت، انتشاراتی مذهبی است که به انتشار کتاب‌های دینی می‌پردازد.

نمایش‌نامه‌هایی که «برای کودک و نوجوان» نوشته می‌شود و نه «درباره کودک و نوجوان»، باید در انتخاب موضوع، شخصیت‌ها و زبان، مناسب کودک و نوجوان باشد. موضوع، موقعیت و رویدادهای مورد انتخاب نویسنده باید در حال و فضایی کودکانه رخ دهد و در حوزه‌های تجربی کودک و نوجوان اتفاق افتد و شخصیت‌های قهرمان در نمایش‌نامه، کودک یا نوجوان باشد.

از دیگر ویژگی‌های ادبیات نمایشی خاص کودک و نوجوان، زبان نمایشی اثر است. در نمایش‌نامه دوگونه زبان به کار می‌رود؛ زبان کلامی که نباید از دایره واژگان کودک و نوجوان فراتر باشد و زبان صحنه که شامل عناصر بصری و شنیداری است. در این بخش نیز نویسنده از نشانه‌ها و حوادثی استفاده می‌کند که قابل فهم برای کودک و نوجوان باشد.

داوود کیانیان، در کتاب «تأثر کودکان و نوجوانان»، ویژگی‌های نمایش کودک و نوجوان را پرتحرک و جنبش، پرکشش و هیجان‌انگیز توصیف می‌کند و هم‌چنین، نمایش ریتمیک را مورد توجه بسیار زیاد کودک و نوجوان می‌داند.

در این کتاب، در ادامه ویژگی‌های نمایش کودک و نوجوان، آمده است: «با توجه به این که درک کودک از پیچیدگی‌ها دور است، اصل «سادگی» و «روان بودن» نمایش باید مد نظر باشد و این به معنی سطحی بودن یا مبتذل بودن آن نیست.»<sup>۲</sup>

در صورتی که بنا به دلایلی که ذکر شد، در نمایش‌نامه‌های چاپ شده در دهه ۶۰، چنین مواردی مورد توجه قرار نمی‌گرفت.

البته در این مجموعه، نمایش‌نامه‌هایی مانند «مدرس»، نوشته حسین مختاری و «شیخ شهید»، نوشته محسن مخملباف، تنها



به دلیل ذکر در کتاب «فهرستگان نمایش کودک و نوجوان»، نوشته سید علی کاشفی خوانساری، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورتی که در شناسنامه کتاب، به گروه سنی کودک یا نوجوان اشاره‌ای نشده است و موضوع، شخصیت‌ها زبان و حتی حجم این آثار، مناسب گروه سنی کودک و نوجوان نیست.

در این مقاله، به بررسی نمایش‌نامه‌های چاپ شده در سال‌های ۶۰ تا ۶۳ می‌پردازیم.

۱- نمایش‌نامه «شیخ شهید»، نوشته محسن مخملباف، در سال ۱۳۶۰ توسط انتشارات حوزه هنری، در سه پرده، ۲۵ صحنه و ۱۵۳ صفحه به چاپ رسید. درونمایه آن مبارزه و موضوع نمایش‌نامه، درباره انقلاب مشروطیت است.

شخصیت‌های آن، شیخ فضل‌الله نوری، تقی‌زاده، سفیر روس، سفیر انگلیس، حاج تقی بنکدار، حاج حسن بنکدار، امام جمعه، عین‌الدوله، حاج اسدالله، حاج رضا، ستارخان، محمدعلی میرزا، پاختیانوف، چند نفر قزاق، چند نفر مجاهد و چند نفر از مردم هستند. نمایش‌نامه در سه پرده تنظیم شده است. در پرده اول، مردم ایران به رهبری روحانیون و مبارزان، پی به حقوق خود می‌برند و ندای آزادی و مشروطه سر می‌دهند و با اعتصاب و تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم و قم، خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند، اما با دخالت دولت روس و انگلیس، جهت حرکت مردم تغییر می‌کند و اعتصابات در سفارتخانه انگلیس و به وسیله روس‌ها و انگلیسی‌ها هدایت می‌شود. در پرده دوم، پس از پیروزی مشروطه، شیخ فضل‌الله نوری در مجلس، از مشروطه مشروعه صحبت می‌کند و لزوم مشروعیت قوانین را پیش می‌کشد. عده زیادی از نمایندگان مجلس که از حامیان دولت‌های روس و انگلیس هستند، با این مسئله مخالفت می‌کنند و برای ایجاد تفرقه بین مردم و روحانیون، شایعه مخالفت شیخ فضل‌الله با مشروطه را رواج می‌دهند. سپس یک یک مخالفان از جمله شیخ فضل‌الله را از سر راه برمی‌دارند. در پرده سوم، پس از آن که مجلس توسط محمدعلی میرزا به توپ بسته می‌شود، در شهرهای مختلف از جمله تبریز، مردم قیام می‌کنند.

رهبران قیام تبریز، ستارخان و باقرخان نیز نمی‌توانند در مقابل فشارهای دولت روس و انگلیس مقاومت کنند و این بار نیز قیام مردم سرکوب می‌شود.

۲- نمایش‌نامه «سفر سبز در سبز»، نوشته بهروز غریب‌پور، در سال ۱۳۶۱ در هفت صحنه و ۳۲ صفحه به چاپ رسید.

درونمایه آن شناخت و موضوع نمایش‌نامه، طی طریق و رسیدن به حقایق است. شخصیت‌های نمایش‌نامه امیر، مادر، مشاور، منجم‌باشی، حکیم‌باشی، دایه، پرنده، دیو، کوه، دریا، آتش و شب هستند. امیر به کمک دایه خود که از کودکی او را تربیت کرده است، برای سفر آماده می‌شود، اما اطرافیان و مادر امیر، از به آگاهی رسیدن او و ترک کاخ نگرانند و به اشکال مختلف، او را از رفتن بازمی‌دارند. آن‌ها دایه را می‌کشند تا امیر را به سفر تحریک نکند، اما امیر سفر خود را آغاز می‌کند و با پرنده، دیو، کوه، آتش، دریا و شب روبه‌رو می‌شود. هر کدام چیزی مثل اسب، کفش، شمشیر و چشم‌ها را از امیر می‌گیرند تا در ازای آن، راه را به او نشان دهند. سرانجام امیر به مقصد می‌رسد و روشنایی را می‌یابد.

۳- نمایش‌نامه «کچل کفترباز»، نوشته بهروز غریب، در سال ۱۳۶۱ در چهار صحنه و ۱۵ صفحه، برای گروه



سنی «ج» (راهنمایی)، توسط کانون پرورش فکری به چاپ رسیده است. درونمایه اثر، آزادی و عدالت و موضوع آن، در مورد حسن کچل است که عاشق دختر خان می‌شود و به کمک کبوترهایش، مردم را از ظلم و ستم خان نجات می‌دهد.

حسن کچل، چوپان و دختر کرمعلی خان، دلباخته اوست. حسن کچل رازی را درباره دختر با مادرش در میان می‌گذارد:

«دختر کرمعلی خان، گلی به پای کبوتر سفید حسن کچل می‌بندد و می‌خواهد او را از قفس پدرش نجات دهد و همان‌طور که به کبوتران خودش پریدن می‌آموزد، به او نیز کمک کند. زیرا پدرش مرد ظالمی است و مادر حسن کچل، از او می‌خواهد به دختر کمک کند. کچل نیز همه کبوترهایش را به بالای قلعه کرمعلی خان می‌فرستد تا خواب را به چشم کرمعلی‌خان حرام کنند، اما جلادها به خانه حسن کچل می‌روند و صد کبوتر او را گردن می‌زنند. کچل

## حفظ ارزش‌های

## انقلاب و توجه به

## جنگ تحمیلی،

## با هدف ترویج دین،

## حفظ ارزش‌های

## مذهبی و توجه

## انگیزه‌های بنیادین

## انقلاب و هم‌چنین

## حفظ فرهنگ

## مقاومت و پایداری،

## با بهره‌گیری از

## ادبیات و هنر،

## یکی از اهداف کلی

## سیاستگذاری دولتی،

## در آغاز پیروزی

## انقلاب اسلامی است.

## بنابراین،

## به دلیل توجه

## ویژه دولت،

## بیشترین

## نمایش‌نامه‌های

## چاپ شده

## کودک و نوجوان در

## این دوره،

## به طرح

## چنین مسائلی

## می‌پردازد

از شدت ناراحتی، مدتی با کسی صحبت نمی‌کند تا این‌که دو کبوتر دیگر، چهار برگ به او می‌دهند که آن‌ها را به گردن کبوترهایش بزند تا آن‌ها زنده شوند.

یکی از کبوترهای زنده شده، به نشان بازگشت دوباره خود به زندگی، یک کلاه غیبی به حسن می‌دهد تا هر وقت آن را می‌پوشد، کسی نتواند او را ببیند. کچل تصمیم می‌گیرد با کلاه غیبی، به جنگ کرمعلی خان برود، اما کبوترها از او می‌خواهند قبل از جنگیدن با خان، ابتدا او را بیشتر بشناسد. به همین دلیل، حسن کچل به کارگاه قالیبافی می‌رود و اوضاع نابه‌سامان دختران قالیباف را می‌بیند. کچل با قرار دادن کلاه نامریی روی سرش، در کارگاه قالیبافی خان را تهدید می‌کند.

کچل به قلعه‌خان می‌رود. همه طلاهای خان را برمی‌دارد و با کمک دختر خان، آن‌جا را ترک می‌کند. دخترخان نزد مادر حسن کچل می‌رود و حسن کچل هم طلاهای خان را برای دختران قالیباف می‌برد.

۴- نمایش نامه «مدرس»، نوشته حسین مختاری، در سال ۱۳۶۲ توسط کنگره شعر و ادب و هنر، در ۹ صحنه و ۶۴ صفحه به چاپ رسید. درونمایه اثر درباره شهادت و مبارزه با ظلم و موضوع آن، درباره «مدرس» است که با اطلاع از اهداف و مقاصد رضاخان، آشکارا با او و اقداماتش مخالفت می‌کند و در این راه، از جان خود نیز می‌گذرد. شخصیت‌های نمایش، عبارتند از مدرس، سردار سپه، اکبر پامناره‌ای، تیمورتاش، داور، درگاهی، عبدالله، امین خلوت، محمدحسین میرزا ولیعهد، رحیم‌زاده صفوی، ۳ نماینده، رئیس مجلس، قورچی‌باشی، طلبه، محمد ولیخان اسدی، مصدق، مستخدم‌مجلس، منشی‌مجلس، احمدشاه، مستخدم شاه، معشوقه احمدشاه، علی، خلیج، سفیر دولت، خدیجه دختر مدرس، طلاب دیگر و سربازان.

سردار سپه، برای مذاکره به منزل مدرس می‌رود تا موافقت او را برای کسب سمت «قوای کل» بگیرد. مدرس به مقاصد رضاخان برای تغییر نام حکومت به نام خود، پی می‌برد و به همین دلیل، دو شرط برای سردار سپه تعیین می‌کند؛ یکی حضور دو نماینده از جانب مدرس در کابینه جدید رضاخان و دیگری بازگشت احمدشاه به ایران است. سردار سپه می‌پذیرد و به سمت جدید نایل می‌شود، اما احمدشاه از ترس، قصد بازگشت به ایران را ندارد و منتظر کمک از جانب فرانسویان است. در این میان، رضاخان با انگلیس رابطه می‌گیرد و سپس به کمک طرفدارانش، مجلس را محاصره و وکلای مخالف را در خانه‌هاشان حبس می‌کند. سپس در مجلس، با حضور نمایندگان موافق، عزل احمدشاه و سلطنت خود را به تصویب می‌رساند.

مدرس سلطنت رضاخان را نمی‌پذیرد و از طلاب می‌خواهد با افشاگری در مورد وابستگی رضاخان به انگلیس، این موضوع را به اطلاع مردم برساند، اما رضاخان با ایجاد قحطی، افکار مردم را از مجلس دور نگه می‌دارد. مدرس به سبب اعتراضات فراوان، به کاشمر تبعید می‌شود، اما در آن‌جا هم به مخالفت با رضاخان ادامه می‌دهد. بنابراین، رضاخان دستور قتل مدرس را صادر می‌کند و مدرس کشته می‌شود.

این نمایش‌نامه، با نگاهی تاریخی و سیاسی، به منظور آشنایی نوجوانان با حوادث روزگار خود، به بیان گوشه‌ای از تاریخ معاصر ایران می‌پردازد.

۵- نمایش‌نامه «طیاره»، نوشته مرتضی صادق‌قار، در سال ۱۳۶۲ توسط «کنگره شعر و ادب و هنر»، در ۵ صحنه و ۲۴ صفحه به چاپ رسید. درونمایه اثر، مبارزه و ایمان و موضوع آن، مقاومت و ایثار مردم فلسطین در برابر ظلم اسرائیل است. شخصیت‌های نمایش‌نامه اولی، دومی، سومی، چهارمی، پنجمی، سمیرا، آسیه، لیلا و فاطمه هستند.

بچه‌ها در مقابل اردوگاه مشغول بازی هستند، ولی لیلا دور از آن‌ها مقابل چادری نشسته و با تکه‌های چوب، طیاره می‌سازد تا با آن به جنگ اسرائیلی‌ها برود. اسرائیلی‌ها خانه آن‌ها را ویران کرده و پدر و مادرش را کشته‌اند.

سمیرا و آسیه او را تمسخر می‌کنند. سمیرا می‌گوید آن‌ها نمی‌توانند به جنگ با اسرائیل بروند، ولی لیلا معتقد است با ساختن طیاره، نیرومندتر می‌شوند و می‌توانند با اسرائیل بجنگند.

در این هنگام، طیاره اسرائیلی‌ها بر سر آن‌ها بمب می‌اندازد. بچه‌ها پناه می‌گیرند. سمیرا پشت تپه‌ای می‌رود، ولی پس از پایان بمباران، آن‌ها جسد سمیرا را پیدا می‌کنند. بچه‌ها تصمیم می‌گیرند مانند لیلا طیاره بسازند و به جنگ با اسرائیل بروند. آسیه مقداری



**از ویژگی‌های  
جوامع دولتمدار،  
نظارت کامل دولت  
بر فعالیت‌های  
فرهنگی است.  
لذا به دلیل رشد  
ناشران دولتی  
در سال‌های  
پس از انقلاب،  
امکان تحقق  
سیاستگذاری‌های  
دولت در  
بخش فرهنگ  
افزایش می‌یابد.  
ناشران دولتی،  
مجری سیاستگذاری  
فرهنگی دولت  
در بخش  
تولید هست**

تخته و چوب از خانه‌های ویران شده می‌آورد تا با آن‌ها طیاره بسازند، لیلا طرز ساختن طیاره را به آن‌ها می‌آموزد، ولی باز هم طیاره اسرائیل به اردوگاه حمله می‌کند. وقتی آسیه از زمین برمی‌خیزد، جسد فاطمه و لیلا را می‌بیند. لیلا در حالی که طیاره چوبی‌شان را در آغوش گرفته تا از بمباران مصون نگه دارد، می‌میرد. آسیه طیاره لیلا را برمی‌دارد و سعی می‌کند آن را به پرواز درآورد.

۶- «صیاد چگونه صید می‌شود»، نوشته ابوالحسن ونده‌ور، توسط شرکت بی‌اس در ۱۲ صحنه و ۴۴ صفحه به چاپ رسیده است. این کتاب در قطع خشتی و به تصویرگری علیرضا اسپهبد، برای گروه سنی دبستان نوشته شده است و از انواع داستان حیوانات و داستان‌های حکمی به شمار می‌رود. درونمایه آن دوستی و همکاری و موضوع آن، درباره اتحاد و دوستی حیوانات جنگل است که به کمک همدیگر، صیاد را به دام می‌اندازند. شخصیت‌های آن راوی، زاغ، طوقی، کبوتران، صیاد، موش، سنگ پشت، شب‌تاب و آهو هستند.

زاغ از بالای درخت، صیاد را می‌بیند که برای دام گذاشتن به جنگل می‌آید. صیاد دام پهن می‌کند و پنهان می‌شود. کبوترها دانه‌ها را می‌بینند و در دام گرفتار می‌شوند. اما قیل از آمدن صیاد، به دستور طوقی همگی همزمان پرواز می‌کنند و دام را نیز با خود می‌برند. طوقی کبوترها را به سمت لانه موش هدایت می‌کند. طوقی و موش دوستان قدیمی هستند. موش به آن‌ها کمک و دام را پاره می‌کند.

زاغ که شاهد این صحنه‌هاست و دوستی عمیق طوقی و موش دانا را می‌بیند، تصمیم می‌گیرد با موش دوستی برقرار کند. موش ابتدا از زاغ می‌ترسد و به او اطمینان ندارد. زاغ برای اثبات دوستی‌اش، به دستور موش، پایش را داخل لانه موش دانا فرود می‌برد و موش دانا پای او را می‌بندد تا میزان دوستی و صبر زاغ را بسنجد. وقتی موش دانا به دوستی عمیق زاغ پی می‌برد، او را آزاد می‌کند.

زاغ و موش نزد سنگ پشت، کرم شب‌تاب و آهو می‌روند. آن‌ها تصمیم دارند صیاد را ادب کنند. اما آهو در دام صیاد گرفتار می‌شود. همه به کمک آهو می‌روند. موش دام را پاره می‌کند و آهو را نجات می‌دهد. وقتی صیاد بازمی‌گردد، همه حیوانات به سرعت فرار می‌کنند، ولی سنگ پشت به دست صیاد گرفتار می‌شود.

این بار حیوانات برای نجات سنگ پشت، نقشه‌ای می‌کشند. آهو وانمود می‌کند که زخمی است و صیاد در پی او می‌رود، ولی ناگهان حیوانات از هر گوشه‌ای به او حمله و او را در تور خودش اسیر می‌کنند. صیاد تصور می‌کند در جنگل اجنه وجود دارد. پس در حالی که در تور گرفتار شده است، با ترس و وحشت بسیار، از جنگل فرار می‌کند.

این نمایش‌نامه، بر مبنای حکایتی از «کلیله و دمنه» نوشته شده است و در فروردین ۱۳۶۲، در تالار رودکی به اجرا درآمد.

۷- نمایش‌نامه «جلسه»، نوشته ح - کاسه‌ساز، در اردیبهشت ۱۳۶۳ توسط انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۱۰ تهران، در ۶ صحنه و ۳۰ صفحه به چاپ رسید. درونمایه این نمایش‌نامه، مبارزه و موضوع آن، درباره دختری است که به دلیل همکاری با منافقان، باعث مرگ خود و مادرش می‌شود.

عده‌ای از خانم‌ها در منزل فاطمه، در حال انجام امور پشت جبهه هستند. شهناز، دختر فاطمه، با عجله به خانه می‌آید. او از حضور خانم‌های همسایه در خانه‌شان احساس ناراحتی می‌کند و به اتاق خودش می‌رود.

خانم‌ها به فاطمه می‌گویند بیشتر مراقب دخترش باشد تا در دام منافقان نیفتد. سپس تشکیل جلسه آینده را در منزل عزیز خانم قرار می‌دهند. روز بعد در جلسه سازمان منافقین، مسئولیت بردن ساک حاوی بمب به جلسه عزیز خانم را به شهناز می‌سپارند. دلیل بمب‌گذاری این است که عده‌ای از خانم‌های همسایه، علیه سازمان فعالیت سیاسی انجام می‌دهند. شهناز نقشه‌ای می‌کشد تا به بهانه بیماری خاله‌اش، از رفتن مادر به جلسه عزیزخانم جلوگیری کند.

روز جلسه، شهناز با ساک به منزل عزیزخانم می‌رود و می‌گوید دنبال مادرش آمده است. سپس ساک را در کنار عزیزخانم می‌گذارد و به منزل بازمی‌گردد. مادرش در یادداشتی برای او نوشته است که به منزل خاله و سپس به جلسه عزیزخانم می‌رود. شهناز با عجله به

در این سال‌ها،

ادبیات پایداری

با قلم نویسندگان

وابسته به

حوزه هنری

به نگارش درمی‌آید،

اما به دلیل

شرایط

سیاسی - اجتماعی

زمان، بیشتر به

مضمون و محتوای

آثار توجه می‌شود و

خصوصاً در حوزه

کودک و نوجوان،

به عناصر ساختاری

نمایش‌نامه‌های

خاص این گروه سنی

توجه کمتری می‌شود

وارزش‌های دراماتیک

نمایش‌نامه‌ها

در سایه

قرار می‌گیرد



جلسه عزیزخانم برمی‌گردد تا مادرش را نجات دهد، ولی وقتی مادر را از خانه بیرون می‌آورد، مادر ساک را هم برمی‌دارد. در حیاط خانه، ساک منفجر می‌شود و آن‌ها و نیز چند زن دیگر کشته می‌شوند.

۸ - نمایش‌نامه «نوری در ظلمات» (جلد ۱)، نوشته انوشیروان میرزایی کوچکسرای، در بهمن ۱۳۶۳ توسط انتشارات سازمان اندیشه بزرگان، در ۹ صحنه و ۲۶ صفحه به چاپ رسید.

این نمایش‌نامه رادیویی، برای گروه سنی «ج» و «د» با درونمایه ایمان و جهل نوشته شده است. موضوع آن درباره نبوت حضرت نوح است که برای ترویج خداپرستی در بین کافران، بسیار تلاش می‌کند. شخصیت‌های این نمایش‌نامه، گوینده، شارون، نوح، سامیه، کامیل، سامرو، فقیر، جبرئیل، کنعان و سام هستند. نوح در جست و جوی کار، وارد شهر می‌شود. در راه شارون و نوکرش سامرو را می‌بیند. شارون وقتی متوجه می‌شود نوح به دنبال یافتن کار است، به او پیشنهاد کار می‌دهد.

شارون بعد از مدتی به صداقت و پاکی و امانت‌داری نوح پی می‌برد و به او بیشتر اعتماد می‌کند. به همین دلیل، سامرو به نوح حسادت می‌کند. روزی شارون همسر و دخترانش را به همراه نوح به سفری می‌فرستد. سامرو از فرصت استفاده می‌کند و توسط عده‌ای راه را بر نوح می‌بندد، اموال همسر شارون را می‌رباید و نوح را مجروح می‌کند. شارون به نوح شک می‌کند، و او را به زندان می‌اندازد، ولی کامیل دختر شارون، به بی‌گناهی نوح پی می‌برد و او را آزاد می‌کند.

نوح به شهر دیگری می‌رود و در آن‌جا به نجاری مشغول می‌شود. روزی کامیل و برادرش را می‌بیند و متوجه می‌شود که شارون به بی‌گناهی نوح پی برده است. نوح با کامیل ازدواج می‌کند و صاحب چهار فرزند می‌شود. او شب‌ها برای عبادت، به کوهستان می‌رود. یک شب وقتی به راز و نیاز با خداوند مشغول است، جبرئیل بر او نازل می‌شود و از طرف خداوند، او را به پیامبری برمی‌گزیند. همسر نوح و سه فرزندش به او ایمان می‌آورند، اما کنعان پسر کوچک‌تر نوح به او ایمان نمی‌آورد.

نوح در میدان شهر، مردم را به خداپرستی و دوری از پرستش بت‌ها دعوت می‌کند، ولی آن‌ها او را سنگ‌باران می‌کنند و آزار می‌دهند. البته نوح، هم‌چنان به دعوت مردم به پرستش خداوند ادامه می‌دهد.

۹ - نمایش‌نامه «نوری در ظلمات» (جلد ۲)، نوشته انوشیروان میرزایی کوچکسرای، در سال ۱۳۶۳ توسط نشر اندیشه بزرگان، در هفت صحنه و ۲۶ صفحه به چاپ رسیده است. درونمایه این اثر، ایمان و موضوع آن درباره دعوت مردم توسط حضرت نوح به خداپرستی و مجازات کافران توسط خداوند است. شخصیت‌های نمایش‌نامه گوینده، سام، حام، کامیل، نوح، سامرو، صدای اول، صدای دیگر، جبرئیل، کنعان و راحیل هستند.

نوح مردم را به خداپرستی و ایمان دعوت می‌کند، ولی مدام مورد آزار و اذیت آن‌ها قرار می‌گیرد و جراحاتی به او وارد می‌شود، اما به اذن خداوند، هر روز زخم‌هایش التیام می‌یابد و او دوباره به کار خود ادامه می‌دهد. به جز عده‌ای بسیار اندک، کسی به او ایمان نمی‌آورد و نوح همواره مردم را از عذاب خداوند می‌ترساند تا آن‌که روزی از خداوند می‌خواهد بلایی نازل کند و گمراهان را به جزای خود برساند. نوح به کمک پسرانش، به دستور خداوند و با استفاده از چوب درخت‌های خرما، شروع به ساختن کشتی می‌کند. سامرو و کافران او را مسخره می‌کنند. حتی فرزندش کنعان او را دیوانه می‌نامد.

در روز موعود، نوح مؤمنان را به همراه جفتی از هر حیوان، در کشتی قرار می‌دهد. باران شروع به باریدن می‌کند و آب همه جا را فرا می‌گیرد. کافران در آب غرق می‌شوند و کشتی روی آب می‌آید.

پس از گذشت چهل شبانه‌روز، باران قطع می‌شود و نوح و یارانش به سرزمین دیگری می‌رسند. آن‌ها کار و تلاش را در آن‌جا از سر می‌گیرند و به عبارت خداوند مشغول می‌شوند. پس از مدتی نیز نوح از دنیا می‌رود.

### پی‌نوشت:

۱- کتاب ماه کودک و نوجوان، آبان‌ماه ۱۳۸۱، بیست سال نقد ادبیات کودک، سید علی کاشفی خوانساری

۲- تأثر کودکان و نوجوانان، داوود کیانیان، تربیت ۱۳۷۰، صفحه ۱۳۰

